

روزنامه فرهنگ ایرانی	
تعرّف‌های رادیولوژی، واقعی تعیین نشده‌است	صفحه ۱۰
نبود شناخت صحیح، موجب بی توجهی به رادیولوژی می‌شود	صفحه ۱۰
گزارش دیدار از مناطق زلزله‌زده نپال	صفحه ۱۱

نمونه خارجی

مدرک با تز خریدنی

به‌نظر می‌رسد خریدوفروش تز و پایان‌نامه اتفاق تازه‌ای نیست، دست‌کم نه آن‌قدر تازه که در ایران با آن مواجه شده‌ایم. یک جست‌وجوی ساده در گوگل و صرف اندکی وقت کافی است تا لیستی از شرکت‌های ارائه‌دهنده تز و پایان‌نامه مشاهده شوند؛ یکی از این شرکت‌ها، BUY THESIS است. صفحه نخست سایت این شرکت به هزینه هر صفحه از تز و پایان‌نامه اختصاص دارد. به‌عبارت دیگر شما می‌توانید برآورد کنید برای پایان‌نامه‌تان چه میزان هزینه لازم است. یکی از ویژگی‌های این شرکت آن است که اساسا مشتری نیازی ندارد به محل شرکت برود یا اقدامی انجام شود، همه‌چیز با پیک انجام‌شدنی است؛ به این شکل که سفارش گرفته می‌شود، هزینه‌ها برآورد می‌شود و درنهایت در موعد مقرر، کار توسط پیک به مشتری تحویل داده می‌شود. در این سایت تأکید شده است هزینه انجام این کار، بعد از تحویل پایان‌نامه به مشتری گرفته می‌شود.

در این شرکت از تحقیقاتی که بچه‌های دبیرستانی ناچار به انجام هستند تا تز دکتر ا ارائه می‌شود، مشتری فقط کافی است روی گزینه دستور انجام کار کلیک کند. به‌تبع دستمزد انجام یک تحقیق برای محصل دبیرستان یا کالج، با تز فوق لیسانس و دکترای متفاوت است؛ به‌ازای هر صفحه تحقیق برای محصلان دبیرستان، ۱۰۰۹۵ دلار دستمزد گرفته می‌شود. برای ارائه پایان‌نامه به دانشجویان کالج بابت هر صفحه، ۱۲،۹۵ دلار دریافت می‌شود. افرادی که می‌خواهند پایان‌نامه تحصیلات تکمیلی یا دکترای داشته باشند، باید اندکی بیشتر هزینه کنند. برای داشتن پایان‌نامه تحصیلات تکمیلی، هر مشتری باید برای هر صفحه ۲۱،۹۵ دلار بپردازد. دانشجویان دکترای هم در گران‌ترین حالت ممکن باید برای هر صفحه ۲۴،۹۵ دلار هزینه کنند. این یعنی برای مثال یک نفر می‌تواند با پرداخت دوهزارو ۵۰۰ دلار یک پایان‌نامه دکترای زیر بغلش بگذارد و خوشحال باشد. ضرب‌الاجل ارائه این پایان‌نامه‌ها، ۱۰ روز است؛ یعنی دانشجویان باید برای دریافت تز، دست‌کم ۱۰ روز صبر کنند.



بخشی از سایت این شرکت به سرویس‌هایی اختصاص دارد که توسط این شرکت ارائه می‌شود. پیش از ارائه لیست سرویس‌ها، بانیان این شرکت اندکی از مشتریان خود دل‌جویی کرده‌اند و به اختصار دلیلی را که حدس می‌زنند، مشتری ناچار شده است به‌جای اینکه خود، کار نوشتن پایان‌نامه را انجام دهد، به سرویس آنها وابسته شود، را عنوان کرده‌اند. این توضیح این‌چنین آغاز شده است: «گرفتن مدرک تحصیلی بالاتر، یکی از اهداف بسیار مهم در زندگی شخصی هر انسان مدرنی به‌حساب می‌آید.اما با مشکلات و مسائل دنیای مدرن، دانشجویان اساسا فرصت اندکی برای نوشتن تز و پایان‌نامه دارند. دانشجویان امروزی کار می‌کنند و خانواده و احیاناً بچه دارند. با این شرایط، جایی برای کار وقت‌گیر نوشتن پایان‌نامه باقی می‌ماند؟ اگر شما هم چنین مشکلی دارید، کارشناسان ما با کمال میل حاضرند این مهم را به‌عهده بگیرند و شما را از این نگرانی خلاص کنند. شما لازم نیست شب تا صبح پای کامپیوتر بنشینید و صبح با چشمان قرمز به دفتر کارتان بروید. درنهایت بهترین اقدام برای یک دانشجوی مدرن، خرید پایان‌نامه است.»

پس از همدلی صاحبان این شرکت با دانشجویان و دانش آموزانی که می‌خواهند از خدمات تز و پایان‌نامه برخوردار شوند، لیست فعالیت‌های شرکت ارائه می‌شود: نوشتن تز دکترای، تحصیلات‌تکمیلی و لیسانس به‌علاوه سرویس‌هایی که برای مدرسه ارائه می‌شود، اما لازم نیست هرکسی تز یا پایان‌نامه خود را به‌طور کامل به این شرکت‌ها سفارش دهد. مشتری‌ها می‌توانند پروپوزال، بازنویسی، ویرایش یا اقداماتی ازاین‌دست را به شرکت سفارش بدهند. به‌تبع، هریک از این سرویس‌ها هزینه متفاوتی خواهد داشت. آنها درنهایت می‌گویند در صورت منحصربه‌فردنبودن پایان‌نامه ارائه‌شده، تمامی پول مشتری را پس می‌دهند. توضیحات دیگری هم در صفحه سایت این شرکت ارائه شده است؛ برای مثال اینکه کمترین میزان دستمزد برای هر صفحه ۱۰ دلار است. آنها برآوردی از نمره‌ای که تز یا پایان‌نامه مورد نظر موفق به دریافت آن می‌شود، نیز ارائه می‌دهند؛ به‌طور میانگین نمره پایان‌نامه‌ها، ۸،۲۵ از ۱۰ خواهد بود. آنها می‌گویند که در ۹۸ درصد موارد، سفارش‌ها در زمان مقرر تحویل داده شده است؛ یعنی در پایان همان ضرب‌الاجل ۱۰ روزه و درنهایت اطلاع داده‌اند ۲۶۰ نویسنده در این شرکت هم‌زمان به کار نوشتن تز و پایان‌نامه‌ها مشغول‌اند. در پایان به مشتری گفته می‌شود: «آرام باشید و پایان‌نامه‌تان را به ما سفارش دهید.»

مشترک

روزنامه

فرهنگ ایرانی

تعرّف‌های رادیولوژی، واقعی تعیین نشده‌است
--

نبود شناخت صحیح، موجب بی توجهی به رادیولوژی می‌شود

گزارش دیدار از مناطق زلزله‌زده نپال
--

نگاه

انتشار مقاله علمی چه منفاعی دارد؟

تولید علم در ایران، به‌خصوص در دهه گذشته، عملاً به معنی انتشار مقاله علمی، به‌کار رفته است. مسئولان وقت وزارت علوم، با مهندسی معکوس و ناوختن شیور از سر گشاد آن، با خود فکر می‌کردند که چطور می‌توانند بگویند ایران از نظر علمی پیشرفت کرده در نهایت و به این نتیجه رسیدند اگر تولید مقالات علمی را در کشور بالا ببرند، می‌توانند بگویند تولید علم در ایران افزایش یافته است. چنین شد که همه امکانات دانشگاه‌های ایران بسیج شد تا انتشار مقاله علمی، به‌زور یا لبخند، توسط دانشجویان و استادان انجام شود. وزارت علوم برای این کار، از سیاست جماعت و هویج استفاده کرد؛ یعنی با زور همراه با برخی مشوق‌ها، تلاش کرد تعداد مقالات

علمی را هم نزد دانشجویان و هم نزد استادان افزایش دهد. مصوب شد دانشجویان کارشناسی ارشد برای پایان‌نامه خود، تنها ۱۸ نمره می‌گیرند و دو نمره هم برای مقاله مستخرج از پایان‌نامه باقی می‌ماند. به‌این‌ترتیب، لایق‌ترین دانشجوی کارشناسی‌ارشد، اگر مقاله‌ای از پایان‌نامه خود منتشر نمی‌کرد، در بهترین حالت، نمره ۱۸ می‌گرفت. از سوی دیگر، برای پذیرش در مصاحبه‌های آزمون ورودی به دوره‌های دکترای، داشتن مقالات علمی-پژوهشی یا مقالات نمایه‌شده آی‌اس‌آی، احتمال پذیرش را افزایش می‌داد و در طول دوره همه، انتشار چند مقاله ضروری بود. دراین‌میان، دست نامرئی بازار که می‌دید میزان تقاضا برای انتشار مقاله خیلی زیاد شده، مؤسساتی را به‌وجود آورد که با عرضه امکان چاپ مقاله در ژورنال‌های خارجی، به تقاضای پرشمار چاپ مقالات پاسخ دهد. اتفاق جالب اینجاست که بعد از چند سال، حالا در چنین آشفته‌بازاری، چاپ مقاله آی‌اس‌آی- با حدود یک میلیون تومان هزینه، از چاپ مقاله در مجلات علمی-پژوهشی داخلی، خیلی راحت‌تر شده است. استادان نیز به‌همین‌ترتیب، زور و تشویق از هم‌زمان تجربه می‌کردند. آنها اگر تعداد مقالات خود را افزایش می‌دادند، می‌توانستند به‌عنوان عضو هیأت علمی، ارتقا یابند و از مربی به استادیار و سپس دانشیار و استادنام تبدیل شوند. از سوی دیگر، گروه‌های آموزشی به آنها فشار می‌آوردند که چطور پس از چندسال حضور در یک سطح آموزشی، به رتبه بالاتر نرفته‌اند و باید فعالیت‌هایی مثل انتشار مقاله را جدی‌تر بگیرند. گویی انتشار مقاله

علمی که اغلب حاصل دسترنج دانشجویان کارشناسی‌ارشد و دکترای بود، کلید در گنج و نردبان برای ترقی بسیاری از اعضای هیأت علمی شده بود. دانشجویان و استادان دانشگاه، به منفای می‌رسیدند که برای هر دو فایده داشت و وزارت علوم نیز هم‌رسان می‌تواست سر خود را بالا بگیرد و بگوید طبق آمار مجله نیچر یا مؤسسه الزویر یا نهادهای خارجی دیگر، آمار تولید علم در ایران فلان درصد رشد پیدا کرده و نمودارهای علمی با شیب زیاد، درحال بالا رفتن هستند. کمتر کسی هم می‌پرسید با این همه تولید علم، پس چرا مشکلات ایران در همه زمینه‌ها، مرتب افزایش پیدا می‌کند و اصولاً علمی که این‌چنین با زور و بخش‌نامه حقه شده، چه نتیجه ملای خواهد داشت؟



عکس:

زینوف رستنی، شرق

آن بازنده است؟ همین الان هم که دانشگاه بازنده است، حالا اگر ماجرای دیگری هم شروع شود، مدرک‌های خودمان هم تقلبی جلوه می‌کند و آن وقت است که می‌گویند خودشان هم چنین وضعیتی دارند. دشمنانی که وجود دارند و تمام منابع، نسبت‌به دانشگاه، در اختیار آنها قرار دارد، مصداق فساد را در دانشگاه پیدا می‌کنند. آن وقت است که می‌گویند باید با دانشگاه برخورد شود و برای اینکه با تمام دانشگاه برخورد نشود، استادان باید منطقی بازی کنند تا اینکه هیجانی درِست کنند که سرانجام خودشان را گیر بیندازد. اگر بخواهید ریشه این کار را اصلاح کنید، باید به نوع تعریفی که از علم و دانشگاه در ایران داریم، برگردیم. در حوزه تصمیم‌سازی، آدم‌های خیره ما حاضر نیستند و آدم‌های شبه‌خبره و شبه‌دانشمندان، همه‌جا حاضر هستند. شما هر جا می‌روید، با مجموعه‌ای از القاب مثل دکتر و مهندس و ... روبه‌رو هستید. واقعاً اینها آن افرادی نیستند که با این توانایی‌ها بالا آمده باشند. من خودم اخیراً به شورایی رفته بودم، همه آنها دکتر بودند، اما از تحلیل ابتدایی‌ترین مسائلی که به آن تخصص مربوط بود، ناتوان بودند. چرا؟ چون منفعت اقتصا می‌کند، موقعیتی به‌دست آورند و از این موقعیت بهره‌مند شوند. بسیاری از شوراهای تخصصی کشور این وضعیت را پیدا کرده‌اند. هجمه رروآوردن کارمندان اداری برای گرفتن لقب دکتر، به‌خاطر این بوده است که سمت‌های بیشتری صاحب کنند. آدم‌های شبه‌متخصص بر کارهای تخصصی سوار هستند و چون این آدم‌ها سوار هستند، اجازه ظهور متخصص را نمی‌دهند. کسی که می‌داند و می‌تواند تصمیم بگیرد، حاضر نمی‌شود چنین کاری کند. نهایتاً او را دعوت می‌کنند تا سخن بگوید و بعد هم او را متهم می‌کنند. تجربه‌ای که من در بحث‌های اجتماعی دارم، این‌گونه است. آنجایی که خیلی لطف می‌کنند، دعوت می‌کنند و بعداً می‌گویند حرف‌های شما عجیب و بودار است و بعد هم اتهامی می‌زنند و شما را بیرون می‌کنند و آنها همچنان سر جای خودشان نشسته‌اند. مشکل، مشکل نگاه اشتباه به تخصص و دانش در ایران است. ما دانش را در حد معرفت، عمومی کرده‌ایم. چه کسانی در ایران دانش دارند؟ یا کسانی که مدرک دارند یا کسانی که اطلاعات دارند، اما اطلاعات دانش و معرفت نیست، مدرک هم معرفت نیست. ریشه حمله به آموزش عالی کجاست؟ ما این همه متخصص و دکتر می‌پرستیم؛ اگر می‌خواستیم، چرا هنوز این همه مشکل داریم؟ اینها نشان می‌دهند همه این مدارک و القاب برای گرفتن منافع است، نه برای حل واقعی مشکلاتی که وجود دارد. این است که تا آن موضوع، یعنی نگاه به علم و تخصص حل نشود، ما در چرخه معیوب تولید مدرک و تقلبی‌بودن متخصص و حذف واقعیت اجتماعی خواهیم ماند. به‌این‌دلیل که انرژی و امکانات داریم، اما موقعیت‌های اجتماعی‌مان را سرکوب می‌کنیم و نادیده می‌گیریم.

حل مشکلات این کشور خیلی زحمت ندارد و خیلی پیچیده نیست. متخصصان دنیا با مشکلات بدتر از ما، توانسته‌اند مشکلات‌شان را حل کنند. دیدیم مشکلی که در اقتصاد آمریکا پیش آمد، حل شد. اقتصاد آمریکا روبه‌بهبودی است. ولی در ایران اقتصاد، فرهنگ، ترافیک، اخلاق عمومی، مناسبات اجتماعی و خانواده همچنان مشکل دارد. چرا؟ چون متخصصان اصلی‌اش وجود ندارند. شما کارشناسان اجتماعی را در نظر بگیرید؛ اصلاً کارشناس اجتماعی نیست، اما کارشناسی اجتماعی می‌کند. روان‌شناسی درباره اقتصاد و نظام اجتماعی ایران تصمیم می‌گیرد، اما خود روان‌شناسی را هم نمی‌شناسد. یک کارشناس عمومی درباره فرهنگ تصمیم می‌گیرد، اما متخصص فرهنگی دراین‌بین وجود ندارد. حالا در این وضعیت، سؤال ما این است که چرا خارج از دانشگاه، پایان‌نامه و رساله می‌نویسند؟ سیستم بانکی ما به‌عنوان عقلانی‌ترین واحد اداری کشور، پرحادثه‌ترین آن است؛ جایی‌که سیستم الکترونیک وجود دارد، تصمیمات لحظه‌ای ثبت می‌شوند و پول اهمیت دارد، اما این‌همه مشکل در آن وجود دارد. شما به دانشگاه اعتراض می‌کنید، اما چرا مردم اعتراض نکردند و نگفتند این‌همه اخلاص از کجا درآمد؟ چرا کسی با آنها کاری ندارد؟ از همان سیستم بانکی که باید بسیارسیار عقلانی باشد و لحظه‌به‌لحظه بازبینی شود، ۱۰ سال بعد مشکلاتی افشا می‌شود. خدا پدر دانشگاه را بیامرزد که جلوش همه دارند داد می‌زنند، مقاله می‌فروشیم و کتاب می‌نویسیم.

✎ همه این ماجراها درست، منتهی مسئله این است که خودتان بهتر از همه می‌دانید، حتی در صورت انزوای خیلی زیادِ آکادمیسین‌ها در دانشگاه، اگر یک استاد هم اعتراض درستی انجام بدهد، صدایش شنیده می‌شود.

این اعتراض‌ها اصلاً جواب نمی‌دهد؛ این همه آدم اعتراض کرده‌اند. از صبح تا شب، حرف ما این است که غربت آکادمیسین‌ها اتفاق افتاده است و دانشگاهیان که صاحبان اصلی فکر هستند، در حاشیه قرار دارند. اینها گفته می‌شود، اما به موج تبدیل نمی‌شود. اولاً به‌این‌دلیل که کسانی جلوی آن را می‌گیرند که منابع قدرت در اختیارشان است. شما سیستم وزارت علوم را ملاحظه بفرمایید که چه وضعیتی دارد؛ غلبه‌اش با بوروکرات‌هاست، تا دانشگاهیان.

✎ مثلاً استادان نمی‌توانند در همان خیابان انقلاب که پایان‌نامه و مقاله علمی فروخته می‌شود، تجمع و تظاهرات برگزار کنند که این بساط مقاله‌فروشی را جمع کنند؟

چرا تجمع کنند؟ مگر استادان بی‌خردند؟ در این قضیه داستان دیگری هم وجود دارد و آن‌قدر هم که گفته می‌شود، این آتش شور نیست. می‌بینید که استاد دانشگاهی در جایی خلافی می‌کند و سخنی در یک تریبون دراین‌باره مطرح می‌شود یا ماجرا به جاهای دیگر کشیده می‌شود. این‌همه کارهای نکرده در عرصه‌های دیگر وجود دارد که کسی سخنی از آنها به‌میان نمی‌آورد. اگرک هزاران آدم همه خلاف که در جاهای دیگر وجود داشت، در دانشگاه وجود می‌داشت، دانشگاه تا الان نابود شده بود. متأسفانه دانشگاه زیر ذره‌بین است؛ دانشگاه مخالف و رقیب بسیار زیادی دارد. بعضی از رقبای و دشمنانش درونی‌اند، اما بخش اعظمی از آنها از بیرون دانشگاهند. مسئله این‌جاست که ما در این کشور به این تصمیم رسیده‌ایم که به دانش تخصصی اجازه رشد ندھیم و معرفت تخصصی را پروار نکنیم؛ ما به‌دنبال معرفت و دانش عمومی در حد کلیات هستیم و به بیش از اینها هم نمی‌اندیشیم. چون زمانی‌که یک جامعه‌شناس حرفه‌ای تولید شود و به شما تحلیل اجتماعی بدهد، باید مشکلات اساسی جامعه را بگوید، اما چون شما نمی‌خواهید گوش بدهید، پس به جامعه‌شناس هم احتیاجی ندارید و بنابراین باید این علم را در حد اجتماعیات عمومی کنید. تمام تلاش‌هایی که در سیستم می‌شود، این است که جامعه‌شناسی به اجتماعیات تبدیل شود یا در اقتصاد، کلیات و بحث‌های عمومی طرح شود، نه نه دانش اقتصاد، چون چنین داستان‌هایی وجود دارند، دانشگاهیان می‌گویند چرا ما باید وارد ماجرای شویم که دانشگاه از هر دو طرف در

گفت‌وگو با تقی آزادارمکی درباره تقلب علمی و فروش پایان‌نامه و مقالات دانشگاهی

دانشگاه دست بوروکرات‌هاست

نباید به فروش مقاله اعتراض کنیم

سعید ارکان زاده‌یزدی

همه دیده‌اند جلوی سر در اصلی دانشگاه تهران در خیابان انقلاب، دادزن‌ها بلند و رسا فروش انواع مقالات علمی و پایان‌نامه و پروپوزال و تحقیق را فریاد می‌کنشد و دیوارهای خیابان انقلاب پر شده است از شماره‌تلفن‌هایی که در ازای پول، برای دانشجویان مقاله علمی چاپ می‌کنند و پایان‌نامه می‌نویسند. با تقی آزادارمکی، استادتمام جامعه‌شناسی دانشگاه تهران که خود روزگاری رئیس دانشکده علوم اجتماعی این دانشگاه بوده است، دراین‌باره گفت‌وگو کرده‌ایم که چرا استادان به فروش عیان مقاله و پایان‌نامه جلوی دانشگاه اعتراض نمی‌کنند و به‌طور جدی بی‌گیر برچیده‌شدن بساط این کسب‌وکار نیستند. او در این مصاحبه می‌گوید ریشه‌های این جریان باید رفع شود و اصلاً با فشارهایی که از بیرون دانشگاه وجود دارد، اعتراض استادان صرفاً به فروش مقالات، به عملی علیه خودشان تبدیل خواهد شد.

✎ فروش پایان‌نامه و مقالات علمی به‌شکلی عیان در خیابان تبلیغ می‌شود، درحالی‌که کاری غیرقانونی و ناپسند است. چرا این اتفاق به یک اعتراض تشکل‌یافته بین دانشجویان یا بین اعضای هیأت علمی دانشگاه‌ها تبدیل نشده است؟ عده‌ای با این کار، چهره صنف را خدشه‌دار می‌کنند، اما اعضای صنف هنوز واکنش شایسته‌ای به این قضیه نشان نداده‌اند. چرا؟

ما جلوی دانشگاه تهران، با آدم‌ها و فروشگاه‌ها و دفاتری روبه‌رو هستیم که کارشان تولید رساله و مقاله و کتاب و غیره است، اما این دلیلی بر این نیست که این کار‌ها باید به اعتراض عمومی استاد و دانشجو بینجامد. تجارتی جلوی در دانشگاه وجود دارد که کارهای متفاوتی انجام می‌دهد، شما فقط فروش پایان‌نامه را می‌بینید؛ از چهارراه ولیعصر تا خیابان جمالزاده، کارهای زیادی انجام می‌شود که متأسفانه همه اینها را به‌نام علم و دانشگاه می‌گذارند؛ درحالی‌که هیچ نظارت دانشگاهی و علمی‌ای بر این فعالیت‌ها وجود ندارد. در واقع، این منطقه‌ای است که حوزه سیاسی درگیر آن است. فضای جلوی دانشگاه، فضایی نسبتاً غیردانشگاهی است. من این فضا را با فضای دانشگاه‌هایی که دیدام، مقایسه می‌کنم؛ مثلاً حوالی دانشگاه‌هایی مثل مریلند، شیکاگو، هاروارد یا دیگر دانشگاه‌هایی که پیرامون‌شان این نوع تجارت وجود دارد، اصلی‌ترین تجارت کتاب‌فروشی و رستوران و مسائل مربوطبه خوابگاه دانشجویی است، اما در کنار دانشگاه تهران، مجموعه کارهایی وجود دارد که با دانشگاه تهران سخنی ندارد. دانشگاه تهران هم نمی‌تواند نظارتی بر آنها داشته باشد. دانشگاه تهران این وسط گیر کرده است. اتفاق دیگری هم اخیراً در دانشگاه‌های ایران اتفاق افتاده است که ورود آدم‌هایی بدون داشتن توانایی و فوق‌لیسانس به مقاطع تحصیلی فوق‌لیسانس و دکتراست؛ آدم‌های معتبر و مشهوری که در کشور مدعی خیلی چیزها هستند، متهم‌اند فوق‌لیسانس ندارند، اما دکترای گرفته‌اند. خیلی از کسانی که در دانشگاه داریم، کسانی هستند که کنکور نداده‌اند و در دوره دکترای شرکت کرده‌اند. درباره همه این مشکلات باید بگویم سؤال شما را باید عوض کرد، چون مشکل جای دیگری است؛ مشکل درون دانشگاه است. درون دانشگاه، دچار آسیب عمده و اساسی شده است که به این زودی، به‌دلیل بوروکراتیک‌کردن دانشگاه به‌جای آکادمیک‌کردن آن، مرتفع نخواهد شد. در دو دولت گذشته، سیاست دولت این بود که نقش طبقه متوسط را کم کند و شروع کرد به سرکوب طبقه متوسط در حوزه دانشگاه، هنر، سینما، ادبیات و حتی فضاهای دیگر اجتماعی. از سوی دیگر، بدلی مانند آن را تولید کرد و آن را وارد سیستم کرد؛ حجم انبوهی از آدم‌ها وارد سیستمی شدند که توانایی و مختصات کار در دانشگاه و ویژگی و صفات مورد نیاز آن را نداشتند. ورود حجم انبوهی از این آدم‌ها که بیشتر کارمند هستند تا استاد، آکادمی را به اداره تبدیل کرده است و به‌نظر می‌رسد این اصلی‌ترین ضعفی است که وجود دارد. کسی که کارمند دولت است و خودش را کارمند می‌داند و تمام تلاشش بحث ارتقا است - که آن هم به‌وسیله مقاله دانشجویی محقق می‌شود و در سیستم هم مشهور شده است که باید تولید کتاب و مقاله را به‌صورت انبوه داشته باشیم تا به رشد علمی برسیم - در این نظام بوروکراتیک به‌جای دانشمند می‌شنید و به‌جای بازی نقش دانشمند، نقش بوروکرات را بازی می‌کند و بنابراین متوجه چنین ضعف‌هایی نمی‌شود. این مختص به علوم اجتماعی نیست و همه علوم از چنین وضعیتی برخوردارند. برای همین است که ما داریم درجا می‌زنیم و مجموعه اطلاعاتی را که وجود دارد، تا از دانش و اطلاعات عبور کنیم و به دانش بومی برسیم، تکرار می‌کنیم، البته بحث دانش بومی هم شکل گرفته است. دانش بومی مختصات و فضایی دارد که آن شرایط در اینجا وجود ندارد. درهرحال، مشکل اساسی در خود دانشگاه و نوع نگاهی است که ما به دانشگاه داریم و آن را به‌عنوان یک اداره و نه حوزه‌ای آکادمیک، اداره کرده‌ایم. ما در دانشگاه، تکنگاهای کار آکادمیک داریم و اتفاقاً صدای سخن استادان آکادمیک ما پایین‌تر از کسانی است که کار بوروکراتیک می‌کنند وغدغه‌های اداری و بوروکراتیک دارند. اگر دانشگاهیان و دانشمندان و صاحبان خرد در دانشگاه حاکم بودند، این مسائل را می‌دیدند و حل می‌کردند. ما در دانشگاه با کسانی روبه‌رو هستیم که تقلبی دانشیار و استاد شده‌اند. شما از پرونده‌های‌شان هم مطلع هستید. هیچ‌کس حاضر نیست مسائل اینها را حل کند، پاسخ بدهد و جلو برود، فقط به‌صورت یک شبهه و شک و آبروریزی مطرح شده است. جواب اینکه چرا چنین اتفاقاتی رخ می‌دهد، این است که دانشگاه‌ها دست بوروکرات‌هاست. اگر دست آدم حرفه‌ای بود، همان روز اول خودش این